

کناره‌جویی از گزینش خبرگان رهبری

هممیهنان،

بررسی روند رویدادهای پس از پیروزی انقلاب به‌خوبی نشان می‌دهد، با تنخواه‌گردان سیاسی قرار دادن باورهای دینی مردم، تاروپوذهای فرمانروایی کشور با چنان واپس‌گرایی تنیده شد که سخت با نیازهای ملی بیگانه بود و خیلی زود دوران تازه‌ای از خودکامگی را در پی آورد.

انقلاب بیست‌ودوم بهمن یک‌هزار و سیصد و پنجاه‌هفت، که استقلال ملی، آزادی‌های فردی و اجتماعی، و عدالت همگانی را هدف داشت، آشکارا خواستار برپایی مردم‌سالاری به عنوان کاراثرین شیوهی کشورداری بود. اما آنچه زیر نام «قانون اساسی جمهوری اسلامی» انقلاب را مرزبندی کرد شکل خشن‌تری از استیلای قدرت فردی بر سازوکار هستی ملت را پدیدار نمود؛ به‌ویژه گنجاندن یک نگرش فقهی نه‌چندان روشن در ساختار سیاسی کشور این میثاق ملی را چنان خدشه‌دار ساخت که به‌هیچ وجه نمی‌توانست زنده‌داشت «حاکمیت ملی» را دربرداشته باشد. از این رو، حزب ملت ایران برای پیشگیری از دستبرد پیاپی بر کرسی قدرت‌نشستگان بریده‌از مردم به دستاوردهای انقلاب به تکاپوهای خستگی‌ناپذیر پرداخت و همچون یک سیاست راهبردی از شرکت در هر گونه انتخابات نمایشی سر باز زد.

در همین راستا، با دادن اعلامیه‌های بهنگام در سال یک‌هزار و سیصد و شصت‌ویک، از انتخابات یکمین دوره و، در سال یک‌هزار و سیصد و شصت‌وننه، از انتخابات دومین دوره‌ی مجلس خبرگان کناره‌جویی نمود و، بی‌هیچ هراسی، این اصلی‌ترین پایگاه انحصارگری را نهادی تلقی کرد «که با درهم‌شکستن جدول ارزش‌های انقلاب بر قانون اساسی جمهوری اسلامی بار شده و ساختار، کاربرد، و شکل گزینش نمایندگان آن بر خلاف همه‌ی میزان‌های مردم‌سالاری است و به‌روشنی نشان از بخشیدن امتیازهای ویژه به یک گروه اجتماعی کم‌شمار دارد.»

سرانجام، حزب ما در پیگیری پیکارهای رهایی‌بخش ملی بازرنگی بدون قید و شرط در قانون اساسی کنونی را به نحوی که پایندان جدایی دین از دولت و برقراری سامانی مردم‌سالارانه باشد پافشارانه خواستار شد.

اینک سردمداران جمهوری اسلامی درصدد برآمده‌اند تا، به‌رغم وضع اضطراب‌آمیز برخاسته از کشمکش‌های درونی خود، انتخابات سومین دوره‌ی مجلس خبرگان را با در بوت‌های اجمال افکندن همه‌ی نویدهای داده‌شده پیرامون نهادینه کردن آزادی‌ها در کشور و بدون کوچکترین تغییری در قانون و آیین‌نامه‌های آن مانند همیشه به گونه‌ی فرمایشی برگزار کنند. بی‌تردید این صحنه‌آرایی تازه هم به هیچ وجه دربردارنده‌ی گسترش نقش مردم در تعیین سرنوشت خویش نمی‌باشد و برای استوار داشتن پایه‌های لرزان یک‌تازی فراگیر و مهر تأیید زدن بر نهاد رهبری پیش‌بینی‌شده در این قانون اساسی پرنقص است و هیچ زن و مرد آزاده‌ی ایرانی نباید در آن سهمی برعهده گیرد. بدین گونه، حزب ملت ایران از خیمه‌شب‌بازی گزینش خبرگان رهبری، که بود و نبود آن‌ها از لحاظ نگاه‌داشت حیثیت ذاتی بشر و حق مردم یکسان است، کناره‌جویی می‌کند و از همه‌ی شهروندان سلطه‌ستیز و همه‌ی سازمان‌های سیاسی دگراندیش و همه‌ی انجمن‌های صنفی ناوابسته و بر روی هم از همه‌ی ناسازواران با سامان واپس‌گرایانه‌ی جمهوری اسلامی نیز می‌خواهد با وحدت عمل از شرکت در آن خودداری نمایند.

